

دستگیری بهائیان ایران را محکوم می کنیم!

چهارشنبه ۴ خرداد ۱۳۹۰ - ۲۵ می ۲۰۱۱

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران- پاریس

گزارش های رسیده از ایران حاکی است که جمهوری اسلامی همچنان به سیاست آزار، سرکوب و دستگیری بهائیان ادامه می دهد. روز اول خرداد ۱۳۹۰ (۲۳ که ۲۰۱۱)، در پی حمله ماموران امنیتی به منازل دست اندرکاران «دانشگاه بهائیان»، بیش از ده نفر آنان دستگیر و به مکان های نا معلوم منتقل شدند.

بهائیان ایران، قربانیان همیشگی سیاست سرکوب و اختناق حکومت نسبت به اقلیت های مذهبی بوده و دائماً مورد سرکوب واقع شده و بخشی از آنان در زندان بسر برده یا حتی اعدام شده اند. در مرداد ماه سال گذشته، شش نفر از بهائیان به ۲۰ سال زندان محکوم شدند. بر پایه گزارش بی بی سی فارسی (۲ خرداد ۱۳۹۰) در میان دستگیر شدگان، نام کامران مرتضائی فرید، از مدیران موسسه آموزش عالی بهائیان، شاهین نگاری، امین اله مستقیم از سوی خانواده آنان تایید شده است.

بهائیان ایران در اثر سیاست های تبعیض آمیز جمهوری اسلامی از تحصیل و مشاغل دولتی محرومند. دانشگاهی که خود تاسیس کرده اند تا فرزندان شان به تحصیل ادامه دهند، مورد تایید رژیم نبوده و اینک دوباره مورد یورش حکومت واقع شده است.

این دانشگاه موسسه ای غیر انتفاعی و عمدتاً «آنلاین» است. ما با محکوم کردن این یورش دنباله دار، آزادی فوری دستگیر شدگان را خواستار و از سازمان های بین المللی بویژه عفو بین المللی می خواهیم که برای آزادی بهائیان دستگیر شده و تضمین آزادی های فردی در ایران اقدام موثر به عمل آورند.

برای تامین آزادی اندیشه، عقیده و بیان در ایران، بپا خیزیم!

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران- پاریس

چهارشنبه، ۲۵ مه ۲۰۱۱

adpoi@hotmail.fr

بیانیه کانون نویسندگان ایران



درباره‌ی تشدید سانسور در نمایشگاه کتاب

چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۱۱ مه ۲۰۱۱
وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی در پی اجرای سیاست‌های مبتنی بر تشدید سانسور از جمله لغو مجوز مؤسسه‌های انتشاراتی برای نشر کتاب، دادن نمره‌ی منفی به ناشرانی که آثار ارسالی‌شان غیرمجاز شناخته می‌شود و در نهایت لغو مجوز نشر آن‌ها پس از رسیدن نمرات منفی به شمار معین، بررسی مجدد آثار دارای مجوز دائم و غیرمجاز شمردن این آثار، تنبیه ناشران به صورت تأخیر در ارائه‌ی مجوز به مدت سه ماه، واداشتن ناشران به سانسور آثار خود و امتناع از پذیرش نگرش‌ها و آثار نویسندگان خاص و بدین‌سان ممنوع‌الْقلم کردن آنان و . . . اکنون دامنه‌ی سانسور ایدئولوژیک آثار و حذف ناشران آن‌ها را گسترش داده و به قرار اطلاع هم‌عرضه و فروش آثار برخی از نویسندگان را منع کرده و هم به شمار ناشران محروم از حضور در نمایشگاه کتاب افزوده است.

کانون نویسندگان ایران، بر اساس منشور خود که مخالفت با سانسور از جمله‌ی مهم‌ترین مواد آن است، سانسور وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی و محرومیت ناشران از حضور در نمایشگاه را محکوم می‌کند و خواهان پایان دادن به این اقدامات آزادی‌ستیزانه است.

کانون نویسندگان ایران

20 اردیبهشت 1390

هشدار مادران عزادار

فاجعه در زندان قرچک ورامین در شرف وقوع است

چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۱۱ می ۲۰۱۱
کهریزک را همه به خاطر داریم، زندانی در جنوب غربی تهران که پس از خیزش اعتراضی مردم ایران در سال ۸۸، به اردوگاه مرگ تبدیل شده بود. اردوگاهی که بهترین جوان‌های ما را در بدترین شرایط زیستی در آن جای دادند و زجرکش کردند.

دستگاه قضایی و امنیتی کشور برای زهر چشم گرفتن از مردم، دستور داده بود که این عزیزان را با طناب به یکدیگر و سر طناب را نیز به میله وسط سنگ آسیاب ببندند و آن‌ها را نیمه برهنه و با پستی خمیده مانند اسب عساری دور سنگ آسیاب بگردانند و با شلاق و کابل به سر و رویشان بزنند تا آدم شوند یا بتوانند از آنها اعتراف بگیرند و از این کارشان نیز جنون آمیز لذت می‌بردند.

انسان هایی که نه آب داشتند و نه خوراک و جیره هر روزشان شکنجه جسمی و روحی بود که عاقبت منجر به کشته شدن حداقل سه تن از جوانان نازنین و مجروح و بیمار شدن بسیاری شد که هنوز هیچ خبر دقیقی از روند و چگونگی این جنایات وجود ندارد و عوامل اصلی آن نه تنها مجازات نشدند، بلکه یا پشت پرده ماندند یا برخی چهره های شناخته شده را به ناچار به مردم معرفی کردند و چند تن از مجریان دستورات را نیز برای آرام کردن مردم مجازات کردند و عوامل اصلی را برای روزی دیگر نگاه داشتند.

امروز این فاجعه در زندان دیگری به نام قرچک ورامین در جنوب شرقی تهران یا شاید در زندان‌های شناخته و ناشناخته دیگری در کشورمان در شرف وقوع است.

مساله انتقال زندانیان سیاسی و عادی زن به قرچک ورامین هنوز بر کسی روشن نیست، ولی آنچه مسلم است پیگیری و پایداری زنان برای رفع تبعیض و کسب حقوق انسانی و برابریان، پایه های حکومت را به لرزه در آورده است. حکومت بدین وسیله می‌خواهد سدی در مقابل مبارزات زنان ایجاد کند و هم چنین از اتحاد زنان و مردان جلوگیری کند.

شاید گمان می‌کند به این وسیله می‌تواند استواری زنان را خدشه دار کند. زنان در طی این سال‌ها نشان داده‌اند که هرچه فشار و تبعیض بیشتر شود، پیگیرانه تر به مبارزه خواهند پرداخت.

رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف تصور می‌کند که با زور و ارعاب و محدودیت و محرومیت و دروغ‌پراکنی می‌تواند پایه‌های خود را استحکام بخشد ولی از طرفی شاهد است که حکومت‌های دیکتاتوری راهی جز تن دادن به خواست و اراده مردم ندارند.

در این تناقض و دو دلی تمامی ساختار و هویت سازمان هایش به هم ریخته است. دانشگاه‌ها را پادگان کرده، پادگان‌ها را تجارت‌خانه کرده، بیمارستان‌ها را تیمارستان کرده، تیمارستان‌ها را زندان کرده و زندان‌ها را تبدیل به کشتارگاه کرده است.

در کشوری که شیوه کنترل و برقراری امنیت‌اش، چیزی جز ایجاد رعب و وحشت و کشت و کشتار و شکنجه و تنبیه نیست، این اعمال به یک رویه تبدیل شده و مسلم است که این رویه در دیگر نقاط این کشور فلک‌زده نیز هر روز در جریان است و شاید یک اتفاق ساده باعث شود که مردم از پاره‌ای از آن جنایت باخبر شوند.

این رویه چیزی نیست که مال امروز و دیروز و سال ۸۸ و ۷۸ و ۷۷ و ۶۷ یا آن حاکم و این حاکم باشد، این جنایات از ابتدای به قدرت

رسیدن این حکومت و حکومت های دیکتاتوری ماقبل آن نیز در نقاط مختلف کشورمان در جریان بوده است. ما مادران پارک لاله، دخترانی هستیم که در سال ۵۷ همراه مادرانمان به خیابانها آمدیم و بر علیه دیکتاتوری شاه قیام کردیم. ما اجازه نخواهیم داد که کهریزک دیگری پا بگیرد. ما پیگیرانه بر خواسته های خود که آزادی تمامی زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام و محاکمه علنی و عادلانه آمران و عاملان جنایات سی و دو سال گذشته است پای می فشاریم و اعتقاد عمیق داریم که زمان دیکتاتوری به پایان رسیده است و هیچ حکومتی نمیتواند برای مدتی طولانی به تبعیض و نابرابری و بی عدالتی ادامه دهد. مادران پارک لاله (عزادار) بیستم اردیبهشت ۱۳۹۰

قطعنامه حقوق بشر علیه ایران تصویب شد

گزارشگر ویژه حقوق بشر به ایران اعزام میشود